

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز
نوبن • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق

دوشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۵ • ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ • ۷ سپتامبر ۲۰۲۶ • سال بیست‌وسوم • شماره ۸۰۵۴۶۸ • صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۲ • اذان مغرب ۱۸:۴۲ • اذان صبح فردا ۴:۱۶ • طلوع آفتاب ۵:۴۱

www.sharghdaily.com

apararat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

هوش مصنوعی گرایش سیاسی دارد؟



پویا نعمت‌اللهی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

همگانی به رسانه‌های دیجیتال زمینه حضور و تولید محتوای غیررسمی و مخالف را بیشتر کرده است، اما از سوی دیگر چنین وضعیتی را می‌توان ناشی از پدیده دیالکتیک دانست. هگل سه مفهوم «تز»، «آنتی‌تز» و «سنتز» را بنیاد گذاشت. تز و آنتی‌تز در یک فرایند به نام «سنتز» که شکل متعالی‌تری دارد حل می‌شود. هر پدیده‌ای مرکب از دو ضد (و آنتی‌تز) است و تضاد آنها موجب حرکت و دگرگونی پدیده می‌شود تا اینکه آنتی‌تز غالب می‌شود و پدیده جدیدی که «سنتز» آنهاست به وجود می‌آید. این حرکت دیالکتیکی درواقع تجلی و تبلور آزادی و عقلانیت و پیشرفت جامعه بشری است.

در یک نظام سرمایه‌داری انتظار می‌رود ساختارها در راستای بازتولید روابط سرمایه‌دارانه باشد. همه چیز از نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی تا راهبردهای نظامی و آموزشی و فناوریانه همگی باید در راستای خدمت به سرمایه‌داری قرار بگیرند. آلتوسر از بزرگ‌ترین مارکسیست‌های ساختارگرا، معتقد بود رونبا منجر به بازتولید سرمایه‌داری می‌شود. وظیفه «رونبا» کمک به ایجاد شرایط لازم برای بقای سرمایه‌داری و در نتیجه بازتولید آن است اما گویا در اینجا هوش مصنوعی در اغلب مواقع در حال کارکردی متضاد با این انتظار است.

مثلا هوش مصنوعی گروک که تا حدود زیادی آفریده ثروتمندترین فرد جهان و صاحب صنایع بزرگ و نماد قطعی سرمایه‌داری جهانی است، در حدود ۴۰ درصد از موارد عملا استدلال‌های چپ‌گرایانه ارائه داده است. این شاخص برای چت‌جی‌پی‌تی (که آن هم یکی از نمادهای هوش مصنوعی

یادداشت

قدرت مردم



علی مرسلی

شایستگی، وفاداری به مسیحیت و تعهد او به رعایت حقوق و مصالح سرزمین پرسش می‌کرد. پس از پاسخ مثبت و تأیید شایستگی او، دهقان جای خود را ترک می‌کرد و دوک می‌نواستست بر سنگ بنشینند. در برخی روایت‌ها، دهقان حتی سیلی نمادینی نیز بر صورت دوک می‌زد؛ نشانه‌ای از اینکه پادشاه موجودی فراتر از جامعه و قانون نیست. البته نباید این مراسم را با معیارهای امروز، یک «انتخابات دموکراتیک» به معنای مدرن کلمه دانست و وجه نمادین آن را نادیده گرفت. اما همین سنت نمادین بعدها توجه برخی از مهم‌ترین متفکران سیاسی اروپا را به خود جلب کرد. ژان بُدن، حقوق‌دان و فیلسوف فرانسوی قرن شانزدهم، در کتاب مشهور خود، «شش کتاب درباره جمهوری» که در سال ۱۵۷۶ منتشر شد، آیین تصصیب دوک‌های کارنتیا را توصیف کرد. توماس هابز فرسوس، یکی از پدران بنیان‌گذار آمریکا، نسخه‌ای از کتاب بدن را در اختیار داشت، بلکه بر نوعی رابطه نمادین میان حاکم و جامعه تأکید می‌کرد. مراسم در کنار یک سرستون سنگی متعلق به دوران روم باستان برگزار می‌شد. یک دهقان آزاد، که نماینده جامعه محلی بود، بر سنگ می‌نشست و دوک جدید، در حالی که لباس ساده روستایی بر تن داشت، در برابر او قرار می‌گرفت. دهقان از فرمانروای آینده درباره عدالت،

۴۰

روز

مدیرکل دفتر ترانزیت و حمل‌ونقل بین‌المللی سازمان راهداری با بیان اینکه ظرفیت پذیرش کامیون در مرز پاکستان محدود است، گفت: طرف پاکستانی در بهترین شرایط می‌تواند حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کامیون در روز را پذیرش کند، در حالی که حجم تقاضای ایجادشده بسیار بیشتر از ظرفیت موجود است. همچنین در همین روز بخشی از کالاهای وارداتی و کالاهای اساسی مانند برنج نیز وارد کشور می‌شود و بارهای ترانزیتی از کراچی نیز از این مسیر عبور می‌کنند. او درباره معطلی حدود ۴۰روژه برخی کامیون‌ها در منطقه نیز گفت: ظرفیت پذیرش پاکستان محدود است و امکان ورود تعداد نامحدودی از کامیون‌ها به صورت هم‌زمان وجود ندارد.

۳

کوهنورد

سه کوهنورد که پس از برنامه‌ریزی سفر اکتشافی خود با استفاده از چت‌بات هوش مصنوعی «جمنای» گوگل، گرفتار شده بودند، سرانجام نجات یافتند. این سه مرد جوان ساعت سه بامداد کوهنوردی خود را آغاز کردند و اگرچه به آنها گفته شد اگر تا ظهر به قله نرسیدند بازگردند، آنها ساعت هفت عصر به قله رسیدند. سپس این سه نفر تلاش کردند در تاریکی پایین بیایند. آنها با دفتر کلاتر تماس گرفتند تا مسیر را بیروستند و شب را در دره ماد کریک گذراندند تا اینکه صبح روز بعد توسط جنگلبانان وادولیان نجات یافتند. جمنای توصیه کرده بود غذا و آب بسیار کمتری از نیازشان همراه داشته باشند؛ به‌ویژه زمانی که صعود برنامه‌ریزی‌شده هشت‌ساعته آنها به یک دردسر چندروزه تبدیل شد.



آبشار کنج‌نامه با دوازده متر ارتفاع در مسیر صعود به ارتفاعات کوه الوند و در پنج کیلومتری غرب همدان کنار کتیبه‌های گنج‌نامه قرار گرفته است. این آبشار دارای آب دائمی است و در زمستان‌ها نیز در جریان است. عکس: زینب سعیدی، باشگاه خبرنگاران جوان

شبکه‌خوانی

بنزین دلیل قطع آموزش

درباره سیستم و بلوچستان بسیار نوشته و گفته شده است، اما معدود وقت‌ها بوده که از منظر مردم‌شناسی به شرایط مردم و زیست آنها اشاره شود. نوشته‌های دکتر اصغر ایزدی‌جیران، از تجربه حضورش در میان روستاییان می‌تواند درپچه‌های جدیدی را بگشاید. او در یادداشت‌های روزمره خود به تفاوت‌های زندگی و البته سختی‌هایش در روستا اشاره می‌کند: از تندبودن غذا که به مزاج هرکسی سازگار نیست تا آب‌کشیدن از چاه که با سوختگی دینام تبدیل به معضلی روزمره می‌شد. اما او این بار به ماجرای ترک تحصیل دانش‌آموزان پرداخته است. همان معضلی که بسیاری به آن اشاره می‌کنند و هنوز برایش راه‌حلهایی عملی پیدا نشده است. معدود تلاش‌هایی مانند مدرسه سیدبار یا چند روستای دیگر مانند رمین و تشی و… که با کمک اهالی فعال در کتابخانه‌ها بهبودی حاصل شده که محصول تلاش‌های فردی افراد است؛ کسانیکه با جان و دل زحمت می‌کشند و تحقیرهای مسئولان را جدی نمی‌گیرند.

مرور دیده‌های دکتر ایزدی جیران شاید بتواند درپچه‌ای دیگر بگشاید. او به نکته‌ای اشاره می‌کند که بسیار شنیده‌ایم و راهی برایش پیدا شده است: مدارس دور هستند و بنزین گران! او نوشته است: «باید چند بار بررسیم تا بتوانیم جواب بگیریم، «چی چوک وانی؟» اگر شناس بیابوریم یک نفر زنان می‌کشاید. «این اصلا نخوانده». «چرا؟» علت‌ها و دلایل متنوع‌اند.

«شناسنامه نداشت»، «علاقه نداشت». آتهایی از پسرها و دخترهایی هم که درس خوانده‌اند اغلب در پایه‌های سوم یا چهارم مدرسه را ترک کرده‌اند. این‌همه بچه یعنی فقط دو، سه کلاس درس خوانده‌اند؟

تعداد بسیار اندکی مقطع ابتدایی را ادامه می‌دهند. اما شوک بزرگ‌تر من در این دیدارها این است که بچه‌های پایه پنج یا ششم، فارسی بلد نیستند. «چرا؟» «معلم‌ها خوب نیستند».

در شمار اندکی از بچه‌ها علاقه همچنان باقی مانده بود اما آنها هم درس را در پایه ششم وانهاده بودند. «چرا؟»، «دوره».

مدرسه این روستا مقطع راهنمایی ندارد. بچه‌ها باید با پای پیاده چندین کیلومتر راه بروند تا برسند به «سر جاده»، به روستایی که سر جاده واقع شده است. سال گذشته یکی از دخترها توی همین مسیر بیهوش شده بود. و بعد به‌واسطه، خبری برای بچه‌ها سرویس گرفته بود. راننده دو بار بچه‌های متوسطه اول و دو بار هم متوسطه دوم را می‌آورد و می‌برد. آخرش خسته شد. دیگر نمی‌خواست بچه‌ها را ببرد و بیاورد.

از حدود ۲۰۰ خانوار این روستا، انگشت‌شماری از بچه‌ها بودند که به پایه نهم و مرحله انتخاب رشته رسیده بودند. اما جز رشته «انسانی» هیچ گزینه دیگری برای بچه‌ها وجود ندارد. معلم‌های رشته‌های تجربی و ریاضی در این مناطق وجود ندارند یا به اینجا فرستاده نمی‌شوند. از سر جاده به نزدیک‌ترین شهر هم حدود ۷۰ کیلومتر راه است و بنزین، ۲۰ لیتری آزاد خدا تومن، دو میلیون و ۴۰۰ هزار تومان. ما از همین راه به چابهار می‌رویم. تا پولان، تاکسی درست، رفت و برگشت شش میلیون می‌گیرد. تحصیل در مقطع ابتدایی و راهنمایی که در بسیاری از نقاط دیگر ایران امری بدیهی است، در اینجا استثنا به حساب می‌آید. و اصلا درکی از رشته‌های تجربی و ریاضی و هنر در ذهن‌ها وجود ندارد. شاید یکی از مسائل اصلی بلوچستان در توسعه‌باشد که از جاده اصلی دور است. امکانات در مناطق مرکزی کشور متمرکز است و در مسیرهایی که جاده آسفالت کشیده شده است. دورماندن رفته‌رفته به ناتوان‌بودن ترجمه می‌شود. به بچه‌های روستا زیاد گفته می‌شود که «شما چیزی نمی‌شوید». در جنوب دسترسی‌های آموزشی از اساس وجود ندارند یا قطع شده‌اند و این وضعیت یکی از اشکال مهم محرومیت در بلوچستان است که سرنوشت کودکان را زیورور می‌کند. مرد جوانی که با تلاش بسیار به مدرسه‌ای خوب در چابهار راه یافته بود، سر زمین کشاورزی به من گفته بود «آتجا بود که فهمیدم هیچ چیزی اینجا به ما یاد ندادن. اگر سیستم آموزشی کوچکی هم در روستایی مستقر باشه، به خاطر دورافتاده‌بودن، کی حال داره نظارت کنه. نظارتی برای ارائه باکیفیت درس وجود نداره و همه‌چیز ول شده».

۳

روز

به مناسبت روز ملی سینما، بلیت فیلم‌های در حال اکران به مدت سه روز به قیمت نیم‌بها عرضه می‌شوند و بلیت سینماها از روز جمعه ۲۰ شهریور به مدت سه روز (جمعه، شنبه و یکشنبه) به صورت نیم‌بها عرضه‌شود. قرار است اکران فیلم‌های سینمایی «قماربار»، «بهشت تبهکاران» و «خط نجات» از تاریخ ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ تمام شود. همچنین قرارداد اکران فیلم سینمایی «بت» با پخش فیلمبران و سرگروهی پردیس سینمایی ایران‌مال پس از فیلم سینمایی «نابلتون در باغ زردآلو» از تاریخ ۱۵ مهر ۱۴۰۵ ثبت شد. قرارداد اکران «جانشین» هم پس از فیلم سینمایی «زنده‌شور» از تاریخ ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ ثبت شده است.